

تحلیل و تبیین عوامل اثرگذار بر پویش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قطر

حسین ربیعی^۱ - جهانگیر حیدری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۳

چکیده

عوامل ژئوپلیتیک، از نظر تاریخی همواره نقش ترغیب‌کننده‌ای برای سیاست‌مداران داشته است. کشورها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود سعی در حفظ ثبات و ارتقاء جایگاه خود در مناسبات ژئوپلیتیک دارند. در بین کشورهای منطقه‌ی خلیج‌فارس قطر از جمله کشورهایی است که در جریان تحولات منطقه‌ای، کنش و پویش‌هایی ژئوپلیتیکی داشته که فراتر از واقعیت‌های جغرافیای سیاسی این کشور است؛ چرا که در سلسله‌مراتب کشورها و قدرت‌ها در ساختار هرم قدرت جهانی این کشور در زمره‌ی قدرت‌های محلی جای می‌گیرد. حال آن‌که با وجود داشتن مشخصه‌هایی چون وسعت و جمعیت کم، قرارگرفتن در بین دو قدرت منطقه‌ای، پیشینه‌ی تاریخی اندک، درگیری و اختلاف سرزمینی با همسایگان، نظام سیاسی موروثی و فقدان عمق سرزمینی توانسته است در سیاست خارجی، در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کنش‌هایی فراتر از واقعیت‌های خود

۱. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران. hosseinrabiei@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران. jahanheydari@yahoo.com

را به نمایش گذارد. این مقاله در پی فهم و تحلیل چرایی و چگونگی این کنش‌های فرامنطقه‌ای است و در این راستا راهبردها و اهداف این کشور را مورد واکاوی قرار داده است. به نظر می‌رسد راهکارها و پویش‌های برخاسته از موقعیت ژئوپلیتیک - ژئواکونومیک و منابع مالی گسترده‌ی این کشور از قبیل؛ توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، استفاده از راهبردهای اقتصاد سیاسی بین‌المللی، در پیش گرفتن دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و حل و فصل اختلافات سرزمینی و نیز میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی از عوامل بسترسازگسترش نفوذ این کشور محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، ژئوپلیتیک منطقه‌ای، قدرت منطقه‌ای، قطر.

مقدمه

کشورها در عرصه‌ی سیاست خارجی با تکیه بر واقعیت‌های فضای جغرافیایی خود و نیز جایگاهی که در صحنه‌ی بازی‌گری در فضاهای منطقه‌ای و جهانی دارند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیک آنهاست، رفتارهای متفاوتی را بروز می‌دهند. بنابراین رفتارهای بازی‌گران در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی ریشه‌ی ژئوپلیتیک دارد (افضلی، ۱۳۹۱: ۶). چرا که جغرافیا خود را به نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و در بیشتر موارد برون داد سیاست خارجی کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۸۸: ۹۲). بین وزن ژئوپلیتیک کشورها و قدرت ملی و حوزه‌ی نفوذ کشورها رابطه وجود دارد. بدین صورت که وزن ژئوپلیتیک یک کشور (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۱) مشخص‌کننده‌ی موقعیت قدرت ملی و منزلت ژئوپلیتیکی آن کشور در مجموعه‌ای از کشورها و جهان است. هم‌چنین وزن و منزلت ژئوپلیتیک بر استراتژی ملی یک کشور در منطقه و جهان اثر می‌گذارد و حوزه‌ی نفوذ کشور را در آن مشخص می‌کند. به طور متقابل

کیفیت و کمیت حوزه‌ی نفوذ کشورها نیز بر وزن ژئوپلیتیک و قدرت ملی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. گستره‌ی منافع کشورهای ضعیف، معمولاً محلی و محدود است. تبعاً کشور قطر نیز از این روش مستثنا نیست. کنش‌ها و پویش‌های ژئوپلیتیک این کشور برخاسته از واقعیت‌های جغرافیای آن است. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک، این کشور در سلسله‌مراتب کشورها و قدرت‌ها، در ساختار هرم قدرت جهانی، در زمره قدرت‌های ملی و محلی جای می‌گیرد اما از زمان روی کار آمدن شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، قطر سعی داشته خود را کنش‌گری بزرگ در صحنه روابط بین‌الملل نشان دهد و از جایگاه خود در جهت تثبیت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خویش بهره‌برداری کند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

قطر به پشتوانه‌ی عوامل و راهبردهای مختلفی در دهه‌ی اخیر تلاش کرده است در سیاست‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی فراتر از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود اثرگذار باشد و این رفتار پس از خیزش‌های مردمی در جهان عرب و خاورمیانه نمود بیشتری یافته است. این کشور دامنه‌ی نفوذ و اثرگذاری خود را در افغانستان، مصر، سوریه و دیگر کشورهای منطقه و فرامنطقه گسترانده است. هم‌چنین نقش‌آفرینی این کشور در شمال آفریقا و خاورمیانه در تحولات فلسطین، لبنان، لیبی، یمن، عراق و... در قالب دخالت‌های پیدا و پنهان و اشکال میانجی‌گری و میزبانی کنفرانس‌های صلح آشکار است. این پژوهش در پی واکاوی شرایط جدید این کشور و بررسی چگونگی‌های این فرایند است. پرسش اصلی این تحقیق این است که قطر چگونه توانسته است بر خلاف واقعیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک خود، نقش‌آفرینی‌هایی را در خارج از مرزهای سیاسی خود نمایان کند؟

فرضیه پژوهش

در پاسخ به پرسش یادشده، این پژوهش این فرضیه را مطرح و ارزیابی می‌کند که راهکارهای ژئوپلیتیک - ژئواکونومیک مبتنی بر قدرت نرم، مانند توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، استفاده از راهبردهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و نیز میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی، که با پشتوانه منابع مالی گسترده‌ی حاصل از ثروت‌های طبیعی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی اتخاذ شده‌اند، از عوامل بسترساز گسترش نفوذ این کشور محسوب می‌شوند.

مبانی و مفاهیم نظری

منطقه و منطقه‌ی ژئوپلیتیک

در جغرافیای سیاسی به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌های مشابه از نظر فیزیکی و انسانی و عوامل پیوند دهنده‌ی اجزای تشکیل دهنده آن محیط برخوردار باشد، «منطقه» گفته می‌شود. از نظر فیزیکی یک منطقه باید محیط یکپارچه یا حداقل دارای ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیک مشابهی باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵). تقسیم‌بندی جهان بر اساس مناطق جغرافیایی بیانگر نوع کارکرد ویژه‌ی کشورها در آن منطقه است که وجوه اشتراک آنان موجبات هم بستگی و هم گرایی را به وجود می‌آورد و تحکیم آن منطقه‌های جغرافیایی را به مناطق ژئوپلیتیک و سپس سازه‌های ژئوپلیتیک منتج می‌نماید (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۵). در ژئوپولیتیک اساس شکل‌گیری منطقه «جغرافیا و رقابت» قدرت-هاست. در منطقه‌ی ژئوپولیتیک اجزا و مولفه‌هایی مانند: ۱- زیربنای جغرافیایی و سرزمینی؛ ۲- موقعیت جغرافیایی (دسترسی) جذاب؛ ۳- اهمیت اقتصادی؛ ۴- رقابت برای کنترل و نفوذ و ۵- پیشینه تاریخی قابل شناسایی است (ربیعی، ۱۳۹۱: ۳۶).

بنابراین هر قلمروی را که به هر دلیل استراتژیک مستعد رقابت بر سر کنترل و اعمال نفوذ از سوی قدرت‌های موجود در آن باشد و به ویژه پیشینه‌ای از رقابت و منازعه

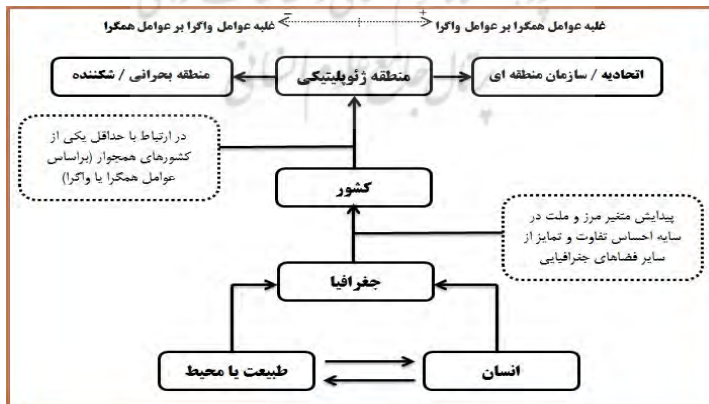
برای سلطه در آن وجود داشته باشد، می‌توان «منطقه ی ژئوپلیتیک» نامید. منطقه ی ژئوپلیتیک بازگو کننده ی شکل سیاسی شده ی منطقه ی جغرافیایی است. منطقه ی ژئوپلیتیک بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و کنش و واکنش آن‌ها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزاند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲) که می‌توان آن را ژئوپلیتیک منطقه‌ای نام گذارد. بر این اساس مناطق ژئوپلیتیک متعدد و متنوعی در سطح جهان مشاهده می‌شود که هر یک به صورت پویا با سایر مناطق ژئوپلیتیک پیرامونی خود و هم چنین ساختار ژئوپلیتیک جهانی در ارتباط هستند و به تبع این پویایی خود، پویایی نظام ژئوپلیتیک جهانی را نیز سبب می‌شوند (پویان، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

ژئوپلیتیک منطقه‌ای

پویایی‌های ژئوپلیتیک که به صورت پیوسته در فضای سیاسی جهان در جریان است، در سطوح و مقیاس‌های مختلفی صورت می‌گیرند که بخشی از آن در سطح مناطق انجام می‌شود. در این سطح نیز قدرت‌های جهانی می‌توانند نقش آفرین باشند اما در قیاس با سطح جهانی قطعاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های منطقه‌ای نقش زیادی خواهند داشت. قالب‌های دوستی و دشمنی و پیامدهای آن در سطح منطقه‌ای هم می‌تواند توسط قدرت‌های منطقه‌ای طرح و پیگیری شود. ژئوپلیتیک منطقه‌ای اشاره به بخشی از کنش‌های ژئوپلیتیک دارد که در سطح یک منطقه ژئوپلیتیک صورت می‌گیرد. ژئوپلیتیک منطقه‌ای در بردارنده ی بازی گران مختلف و رفتارهای پیچیده‌ای است که بازی‌های متعددی به طور هم زمان در سطوح مختلف آن انجام می‌گیرد. کشورهای منطقه از هر کنش ژئوپلیتیک اهداف جهانی، منطقه‌ای و ملی متفاوتی دارند. رابطه ی میان این سه سطح کنش نیز بسیار نزدیک است و تغییر در یک سطح موجب ایجاد اثرات برنامه‌ریزی نشده و پیاپی در سطوح دیگر می‌شود.

تغییرات ایجاد شده در اثر خروج قدرت‌های بزرگ در توزیع قدرت در منطقه فرصت‌ها و محدودیت‌های تازه‌ای را برای کشورها ایجاد می‌کند (Kupchan, 1998: 79). در سطح منطقه‌ای با وجود این که هر منطقه تحرکات خاص خود را دارد و تا حدی خودمختار است، الگوهای کامل رقابت ژئوپلیتیک در آن قابل شناسایی است. در این سطح، کشورهای یک منطقه در رقابت با دیگر قدرت‌های منطقه بر سر سلطه بر منطقه هستند. با وجود این، بیشتر کشورهای منطقه توان قدرت‌نمایی در آن سوی مرزهای خود را ندارند. علاوه بر این، در یک منطقه، کشورهای همسایه، بیشتر از قدرت‌های بزرگ دور و فرامنطقه‌ای، تهدید علیه یک دیگر محسوب می‌شوند تا جایی که مهم‌ترین تهدیدات برای کشورهای منطقه تهدیداتی هستند که ریشه در خود منطقه دارند. از آن جا که بازی قدرت در سطح منطقه نیز همانند سطح جهانی در جریان است، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های گوناگون موجود در ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است (همان: ۳۵). برای این که ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای شکل بگیرد، حداقل دو کشور یا سه بازی گر ضروری است. شکل شماره یک فرایند تشکیل و تکوین یک منطقه ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱. فرایند تشکیل و تکوین یک منطقه ژئوپلیتیک



منبع: (پویان، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

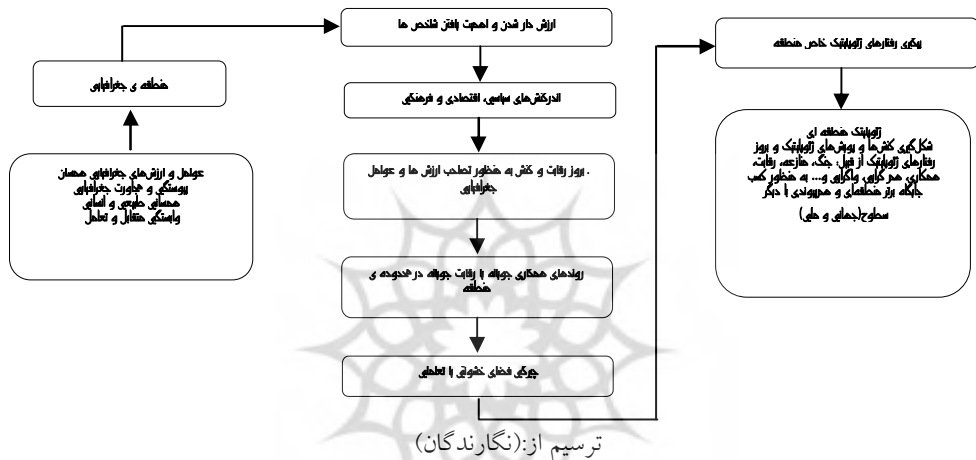
چنان چه در ساختار قدرت منطقه‌ای دو یا چند قدرت دخالت داشته باشند، پویش‌های ژئوپلیتیک آن‌ها باعث بی‌ثباتی و ناآرامی در آن منطقه می‌شود. به ویژه اگر این قدرت‌ها دارای منافع متعارض و رقابت‌های سنگین باشند، گرایش‌ها و جریان‌های متفاوت و متعارضی در منطقه ایجاد می‌کنند. حمایت هر یک از قدرت‌ها از وضعی خاص که منافع خود و متحدانش را در تحقق آن می‌بیند باعث ایجاد دسته‌بندی‌های متفاوت و متعارض منطقه‌ای می‌گردد که نتیجه آن بروز رقابت‌های منطقه‌ای است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

چنان چه پیشتر گفته شد مهمترین عامل تعیین کننده ی گستره و میزان درگیری کشورها در کنش‌های ژئوپلیتیک یک منطقه وزن ژئوپلیتیک آنهاست اما گاهی کنش‌های ژئوپلیتیک یک کشور با میزان وزن ژئوپلیتیک آن جور در نمی‌آید. در این حالت یا معیارهای تعیین وزن ژئوپلیتیک دگرگون شده است یا این که کشوری توانسته است با تکیه بر تاکتیک‌های سیاسی جدید در رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای فراتر از وزن خود پویش‌های منطقه‌ای را پی‌گیری کند.

در محیط نظام جهانی و منطقه‌ای، هر قدر توان مندی ژئوپلیتیک کشورها بیشتر تر باشد با تهدیدات کم‌تری روبه‌رو می‌شوند. به‌منظور افزایش توان ژئوپلیتیک و کاهش تهدیدات خارجی، مؤلفه‌هایی هم‌چون هوشیاری تصمیم‌گیران سیاسی و بستر مناسب جغرافیایی اتخاذ راهبردها، تأثیرگذار به‌شمار می‌آیند. با توجه به مزیت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک و شناخت دقیق فرصت‌های بالقوه و بالفعل در عرصه‌ی خارجی، رفتارهای ژئوپلیتیک خاصی در مناطق شکل می‌گیرد. چنین رفتارهایی مبنایی برای ژئوپلیتیک منطقه‌ای اند. چرا که شکل‌گیری کنش‌ها و پویش‌های ژئوپلیتیک و بروز رفتارهای ژئوپلیتیک از قبیل؛ جنگ، منازعه، رقابت، همکاری، هم‌گرایی، واگرایی و... به‌منظور کسب جایگاه برتر منطقه‌ای، و پیوند چنین پویش‌ها و کنش‌ها با دیگر سطوح ساختار ژئوپلیتیک (جهانی، بینامنطقه‌ای و ملی)، ژئوپلیتیک منطقه‌ای قلمداد می‌شوند. در منطقه‌ی ژئوپلیتیک با توجه

به وزن ژئوپلیتیک بازی گران، مرزهای کنش آن‌ها دچار انقباض و انبساط می‌شود. مدل زیر چنین هم‌پیوندی معناداری بین منطقه، منطقه‌ی ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای را به نمایش می‌گذارد.

مدل شماره ۲. هم‌پیوندی منطقه، منطقه ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای



یافته‌ها و اطلاعات

ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک قطر

قطر کمی بیشتر از ۱۱ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و آسیب‌پذیری‌هایی آن ایجاب می‌کند که رفتارها و راهبردهایی برای تضمین بقا و امنیت خود در پیش گیرد. جمعیت این کشور ۱۶۹۶۵۶۳ است که کمتر از یک سوم آن قطری هستند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای افزایش جمعیت بومی و همچنین ورود کارگران خارجی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۵ م. این رقم به سه میلیون نفر افزایش یابد (سهرابی، ۱۳۹۲: ۹). هم‌چنین نظام سیاسی این کشور تک ساخت و غیر دموکراتیک است. در جریان دگرگونی‌های سال ۲۰۱۱ م. در کشورهای عربی اخباری مبنی بر تقاضای گروه‌های مردمی برای تظاهرات

اعتراضی در قطر منتشر شد. در قبال این نگرانی‌ها قطر نیز چاره را در کمک گرفتن از قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تأمین امنیت خود دیده است. اکنون، پایگاه نیروهای امریکایی در این کشور مستقر است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). طبق گزارش منتشر شده در مجله ی نفت و گاز در ژانویه ۲۰۱۳، کشور قطر دارای ذخایر نفتی معادل ۲۵/۴ بلیون بشکه بوده و در مقام سیزدهم جهان قرار دارد (U.S.2013: 30). همچنین قطر دارای بزرگترین میدان مستقل گازی - غیر همراه با نفت - جهان و بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی مایع شده (LNG) در جهان است. براساس آمارهای نشریه ی نفت و گاز (Oil & Gas Journal) در اول ژانویه ۲۰۱۳، میزان ذخایر اثبات شده کشور قطر حدود ۸۹۰ تریلیارد فوت مکعب، معادل ۱۳ درصد مجموع ذخایر جهانی است. این کشور با این ذخایر جایگاه سوم دارندگان گاز طبیعی بعد از روسیه و ایران را داراست. عمده ذخیره گاز طبیعی قطر در میدان فراساحلی شمالی قرار دارد که در محدوده‌ای به وسعت تقریباً معادل خود سرزمین قطر واقع شده است (معظمی و جوکار، ۲۰۱۳: ۶).

کشور قطر با تکیه بر دلارهای نفت و گاز خود در یک دهه ی گذشته سعی کرده است بر معادلات منطقه ی خاورمیانه و خلیج فارس تأثیر بگذارد و پس از عربستان سعودی به مانند کویت در دهه ۱۹۸۰م به ایفای نقش پردازد. این تأثیرگذاری حتی در معادلات خاورمیانه، منازعه در فلسطین اشغالی، انقلاب‌های عربی و بحران سوریه به چشم می‌خورد به طوری که قطر به دنبال ایجاد قطب جدید قدرت در کنار عربستان سعودی، ایران و ترکیه در منطقه است (ماهانامه خلیج فارس، ۱۳۹۳: ۵۹).

ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ژئواکونومیک و اقتصادی قطر

در سال‌های اخیر با کشف و استخراج منابع عظیم گاز، این کشور در ردیف یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا قرار گرفته است (سهرابی، ۱۳۹۲: ۷۱). کشور قطر طی سال‌های گذشته اقدامات گسترده‌ای در راستای بازاریابی تولیدی گاز گنبد شمالی به عمل

آورده است که از آن جمله می‌توان به پروژه ی بزرگ احداث خط لوله گاز بین کشورهای قطر، امارات متحده عربی، عمان و نیز احتمال ارتباط آن به پاکستان، تأمین گاز وارداتی چین، هند و ژاپن اشاره کرد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۰۵). مقامات قطری از رشد و توانمندی اقتصادی این کشور به عنوان عاملی مثبت در سیاست‌خارجی استفاده می‌کنند.

این کشور در سال ۲۰۰۸ م. در تولید گاز مایع از اندونزی پیشی گرفت و به بزرگترین صادر کننده گاز مایع جهان تبدیل شد. بخش نفت و گاز حدود ۵۸ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را تشکیل می‌دهد. تولید روبه‌رشد این محصولات و افزایش قیمت آن تأثیرات شگرفی در تولید ناخالص داخلی این کشور داشته است (U.S Energy Information Administration, 2013). در سال ۲۰۱۱ م. قطر بیش از ۴۲۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی صادر کرد که ۸۰ درصد آن به صورت ال‌ان‌جی بود که عمدتاً به آسیا و اروپا ارسال شد. ایالات متحده در این سال ۹۰ میلیارد فوت مکعب ال‌ان‌جی از قطر وارد کرد که معادل ۲۶ درصد مجموع واردات گازی ایالات متحده بود. مابقی صادرات گازی (۶۸۹ میلیارد فوت مکعب) از طریق خط لوله «دلفین» به امارات متحده-عربی و عمان ارسال شد (معظمی و جوکار، ۲۰۱۳: ۹) در سال ۲۰۱۱ م. این کشور حدود ۳۶۰۰ میلیارد فوت مکعب ال‌ان‌جی صادر کرد. بریتانیا، ژاپن، هند و کره جنوبی مقاصد اصلی صادرات ال‌ان‌جی قطر هستند. قاره آسیا درگاه اصلی واردات گاز طبیعی قطر بود که ۴۸ درصد ال‌ان‌جی این کشور را در سال ۲۰۱۱ م. وارد کرده بود. بازار اروپا شمال بلژیک، بریتانیا و اسپانیا نیز از خریداران مهم گاز ال‌ان‌جی قطر بود که ۴۲ درصد گاز صادراتی قطر را در این سال خریداری کرده‌اند (همان: ۱۲). در حال حاضر منطقه ی خلیج‌فارس به دلیل سرمایه‌گذاری‌های گسترده ی قطر در بخش گاز و حضور شرکت‌های تراز اول جهان در صنعت گاز قطر، ورود به دوره گاز طبیعی و برخورداری از سومین ذخایر گاز جهان از یک سو و تقویت قوای امریکا در منطقه و استقرار نیروهای امریکایی

در عراق و انتقال بخشی از نیروهای سرفرماندهی امریکا در عربستان به دوحه و تأثیرپذیری بسیار کم اقتصاد قطر از بحران اقتصادی بین‌المللی از سوی دیگر، هم‌چنین دارا بودن رتبه دوم جهان به لحاظ درآمد سرانه، در آستانه‌ی آغاز عصری جدید با پیش‌قراولی قطر است (ترکان، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

سیاست خارجی کشور قطر

مهم‌ترین نکته در درک سیاست خارجی، دقت در طبقه‌بندی این کشور به عنوان کشوری کوچک در عرصه بین‌المللی و ویژگی‌های خاص این‌گونه از دولت‌ها است (اسدی، ۱۳۹۰: ۵). این ویژگی باعث شده است تا بقاء و حفظ امنیت زیربنای سیاست خارجی این کشور کوچک باشد. قطر، مانند تمام کشورها برای تأمین امنیت و حفظ بقاء خود با چالش‌های خاصی روبه‌رو بوده است (B.Roberts, 2009: 246). دو عامل بسیار مهم کودتای ۱۹۹۵ و افزایش درآمدهای نفتی و گازی، نقش قابل‌توجهی در سیاست‌های جدید قطر داشتند. افکار اصلاح‌طلبانه امیر حمد، باعث تحول در سیاست‌های داخلی و خارجی شد. سیاست‌های داخلی با هدف بهبود رفاه، اقتصاد، بهداشت و آموزش و سیاست خارجی با هدف کسب اعتبار و ارتقاء در منزلت ملی قطر به عنوان یک کشور کوچک در نظام بین‌الملل به اجرا گذاشته شدند. هدف قطر از تجدیدنظر در سیاست‌های قبل از ۱۹۹۵ م. استفاده از عوامل نرم‌افزاری قدرت، جهت حفظ بقاء در برابر کشورهای قدرتمند خلیج فارس بود. در دهه ۷۰ میلادی سیاست قطر در منطقه‌ی خلیج فارس حفظ روابط با قدرت‌های اصلی منطقه یعنی ایران و عربستان بود. در همین حال اعتقادات مذهبی مشترک موجب نفوذ قابل‌توجه عربستان در سیاست‌گذاری خارجی قطر شده بود. لیکن دولت مردان قطری به مرور زمان توانستند از این نفوذ بکاهند به‌گونه‌ای که سال‌های اخیر شاهد اصطکاک شدیدی نیز بین سیاست‌های دو کشور بوده است (www.aftabir.com).

حفظ روابط سنتی با انگلیس نیز از دیگر اصول پذیرفته شده در سیاست خارجی قطر در دهه ۷۰ بود اما سیاست خارجی قطر در دهه ۸۰ شاهد تحولاتی مهم و پی‌درپی بود. این امر تا حدودی ناشی از روی کار آمدن طراحان و دست‌اندرکاران جدید در سیاست-خارجی این کشور و تا حدودی نیز به دلیل تحولات نظامی، سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و بین‌الملل بود. قطر در سال ۱۹۸۱ م. به شورای همکاری خلیج فارس پیوست. این کشور در سال ۱۹۸۲ م. به امضای یک موافقت‌نامه دفاعی دوجانبه با عربستان اقدام کرد. با توجه به جریان داشتن جنگ عراق و ایران، اجلاس سران شورای همکاری در سال ۱۹۸۳ م. تشکیل یک سیستم دفاعی واحد را مطرح نمود. پس از این اجلاس، قطر اولین اولویت‌ها را به هزینه‌های نظامی داد. حفظ توان و آمادگی جهت مقابله سیاسی - دیپلماتیک و یا حتی نظامی با بحران موجود در روابط با بحرین بر سر جزایر حوار یکی از اصول ثابت سیاست خارجی قطر بوده است (علوی، ۱۳۷۴: ۹۰). اما امروزه این اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان نسبتاً حل شده است.

از دیگر اصول اعمالی در سیاست خارجی قطر واکنش مثبت نسبت به انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی بود. سرعت بالای انتشار و گستردگی حوزه‌ی تأثیرگذاری این انقلاب‌ها چنان بود که در ابتدا هرکسی را شگفت‌زده می‌کرد. در بین کشورهای عربی تنها کشور قطر بود که به صورت واقعی به حمایت از این انقلاب‌ها برخاست. دولت مردان کشور قطر از این فرصت استفاده کرده و قدرت و ثبات سیاسی خود را به رخ کشیدند. هم‌چنین با حمایت از انقلاب‌ها و رهبران هدایت‌گر این شورش‌ها، نشانه‌هایی از محبوبیت قطر در سطح منطقه به عنوان یک بازی‌گر منطقه‌ای نمایان شد. در ادامه کشور قطر در قالب موضع‌گیری‌ها، پوشش رسانه‌ای شورش‌ها، فعالیت‌های دیپلماتیک، حمایت‌های مالی و حتی دخالت‌های نظامی در جریان این تغییرات در منطقه نقش‌آفرینی کرد. از طرفی نقشی متعارض در ارتباط با قیام مردم بحرین و یمن ایفا کرد (Hroub, 2013: 2). نقش

حساس کشور قطر در جریان بهار عربی استمرار فعالیت‌ها و رشد سیاست‌خارجی این کشور در طول دهه‌ی کنونی است.

کش‌های متعارض قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی

قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی خود با کش‌های متعددی وارد عرصه شده است. بنابراین تعارض‌های متعددی نیز در سیاست خارجی این کشور دیده می‌شود. از طرفی سرنوشت خود را با سازه‌های فراگیرتر منطقه‌ای هم چون اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج-فارس، سازمان کنفرانس اسلامی و... پیوند داده است از طرف دیگر کش‌هایی دارد که متعارض با توافقات با هم‌پیمانان خود است. به طور مثال در جریان انقلاب‌های عربی تنها کشور عربی بود که به حمایت از این انقلاب‌ها اقدام کرد. این کش موجبات نارضایتی دیگر کشورهای عرب، به خصوص کشورهای جنوب خلیج فارس را فراهم کرد. هم چنین براساس توافقات و اصول روابط بین‌الملل، دخالت کشورها در امورات داخلی یک دیگر و مهیا نمودن شرایط مانور و فعالیت به مخالفین و معارضین کشورهای همسایه نفی شده است اما کشور قطر به مأمنی برای فعالیت معارضین کشورهای همسایه مبدل شده است. این عوامل به حدی در سیاست خارجی کشورهای منطقه تأثیرگذار بوده است که اخیراً سه کشور بحرین، امارات و عربستان سفیران خود را از کشور قطر فراخوانده‌اند و گمانه‌زنی‌ها حاکی از پیش رفتن شورای همکاری خلیج فارس به سمت فروپاشی است. از منظر دیگر این کشور جزئی از سازمان کنفرانس اسلامی است و روابط نسبتاً بهتری نسبت به دیگر کشورهای جنوب خلیج فارس با ایران دارد اما به همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود با رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد و روابط در عرصه‌ی اقتصادی به حدی است که رژیم صهیونیستی اقدام به تأسیس دفتر تجاری در آن کشور کرده است، ضمن آن که این کشور با رژیم صهیونیستی روابط سیاسی نیز دارد و در سال‌های گذشته ملاقات‌هایی میان امیر

قطر و وزیر خارجه این رژیم برگزار شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۵۹). هم‌چنین در جریان ناآرامی‌ها و بروز خشونت‌های انزجارآمیز در عراق، به کرات انگشت اتهام به سمت قطر مبنی بر حمایت و کمک به مخالفین نشانه رفته است.

از دیگر تعارض‌های آشکار در سیاست‌خارجی کشور قطر این است که تعادل و توازنی بین استفاده از مبانی و مؤلفه‌های قدرت‌نرم و قدرت‌سخت شکل نگرفته است. هرچند توسل به سیاست میانجی‌گری، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، کمک‌های به موقع در مکان‌ها و کشورهای هدف، میزبانی کنفرانس‌ها و نشست‌ها و... نشان از توجه دولت مردان قطری به توانایی قدرت‌نرم و استفاده از آن است اما حمایت از گروه‌های افراطی هم چون طالبان، القاعده و داعش در سوریه، جهت‌گیری معنی‌دار و هدف‌مندی کمک‌های خارجی این کشور، عدم وجود زیرساخت‌های دموکراتیک در داخل کشور، نوع نظام سیاسی و موروثی بودن حکومت، عدم همراهی با سیاست‌های کشورهای منطقه، میزبانی نیروهای نظامی آمریکا و دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه و عرب از عواملی هستند که تناسبی با قدرت‌نرم ندارد و موجبات استهلاک توان سیاسی کشور را فراهم نموده‌اند.

در ادامه سیاست‌خارجی کشور قطر و چگونگی پوشش‌های ژئوپلیتیک این کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

نمادسازی در عرصه ی خارجی

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سیاست نمادسازی را در عرصه‌های مختلف با روی کردهای رقابت‌جویانه‌ای دنبال می‌کنند. از ساخت بلندترین آسمان‌خراش گرفته تا ساخت گسترده‌ترین جزیره‌ی مصنوعی، از دست‌یابی به بالاترین آمار در زمینه ی جذب گردشگر گرفته تا سرمایه‌گذاری‌های کلان در عرصه ی ورزشی و... این رقابت از آنجاست که دسترسی به این اهداف منبع غرور ملی و هویت فرهنگی و شکوفایی اقتصادی قلمداد

می‌شوند (Mahgoub, 2012: 640). از آن‌جا که کشورهای کوچکی مانند قطر نمی‌توانند ویژگی‌های فیزیکی و جمعیتی و عناصر اولیه قدرت ملی خود را به راحتی تغییر دهند، در پی راهبردهایی خاص برای تضمین بقای خویش‌اند. یکی از این راهبردها که بسیاری از دولت‌های کوچک و حتی برخی دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند، نمادسازی است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۲). کشور قطر به منظور پیش برد اهداف خود چنین راهبردی را دنبال کرده و از آن در تحکیم پایه‌های سیاست خارجی خود بهره‌گرفته است. به طور نمونه، شبکه الجزیره‌ی قطر یک نماد رسانه‌ای عربی-قطری است و یکی از نمادهای روشن سیاست خارجی قطر محسوب می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). صنایع گاز قطر نیز یک برند گازی بین‌المللی به شمار می‌رود، چرا که این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده ی LNG و GTL جهان محسوب می‌شود. هم‌چنین با بهره‌برداری از تأسیسات جدید خود به بزرگترین صادرکننده ی گاز هلیوم در جهان تبدیل خواهد شد (نفت و انرژی، ۱۳۹۲: ۹). این نمادهای شناسایی شده بین‌المللی، ضمن این که استمرار حاکمیت و تمامیت سرزمینی قطر را عمق می‌بخشند، به قطر اجازه می‌دهند تا نقشی فراتر از توان خود ایفا کند و به تدریج دوحه به پایتخت دیپلماسی منطقه تبدیل شود (رضاه-خواه، ۱۳۹۰). هم‌چنین بخشی از استراتژی نمادسازی کشور قطر، ایجاد خطوط هوایی این کشور بوده است. خطوط هوایی نشان‌دهنده‌ی پرواز هواپیماها با نام قطر در فرودگاه‌های سراسر جهان برای تبلیغات است (Peterson, 2006: 748). خطوط هواپیمایی قطر شبکه‌ی پروازی خود را به‌نحو گسترده‌ای در اقصی نقاط دنیا گسترش داده است. در حال حاضر این شرکت به ۹۳ نقطه جهان پرواز می‌کند. قطر ایرویز با افزایش ۱۵ هواپیما از نوع بوئینگ ۷۷۷ به ناوگان حمل‌ونقل خود تعداد هواپیماهای خود را به ۹۰ فروند رساند. با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، این شرکت قصد دارد خود را به بزرگ‌ترین و سریع‌ترین خطوط هواپیمایی جهان تبدیل کند (سهرابی، ۱۳۹۲: ۷۹).

دیپلماسی رسانه‌ای کشور قطر

تبلیغات سیاسی رسانه‌ای، یکی از ابزارهای مهم سیاست‌خارجی این امیرنشین کوچک است. سیاست‌خارجی قطر که «الجزیره» یکی از نمادهای روشن آن محسوب می‌شود، تحولات منطقه‌ای را به مثابه فرصت‌های تازه برای فعال شدن قلمداد کرده و با استفاده از اهرم‌های در اختیار خود، سعی در بهره‌گرفتن از آن‌ها با حداکثر امکانات داشته است. هیأت حاکمه‌ی قطر در به‌کارگیری الجزیره به مثابه‌ی قدرت هوشمند در سیاست‌خارجی خود، برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام داده‌اند. الجزیره به عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست‌خارجی قطر، همواره مؤلفه‌ای تأثیرگذار و گاهی ابزار فشاری در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک دوحه بوده است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). الجزیره اینک دارای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون مخاطب است، بنابراین یک ابزار برای پیش‌برد اهداف سیاسی و اقناع افکار عمومی است (Anzawa, 2011: 18). کشور قطر به‌ویژه با تکیه بر قدرت رسانه‌ای خود که مدیون عملکرد حرفه‌ای شبکه‌ی الجزیره است، توانست خود را به‌عنوان بازوی رسانه‌ای انقلاب‌های عربی یا شتاب‌دهنده‌ی قیام‌های مردمی منطقه معرفی کند و به یکی از اصلی‌ترین منابع تعیین‌کننده‌ی اطلاعات و به‌تبع آن، یکی از اصلی‌ترین بازی‌گران عرصه‌ی تصمیم‌گیری در دنیای عرب تبدیل شود (نکته‌دان، ۱۳۸۶: ۴۳). واقعیت موجود حاکی از فعالیت این شبکه در چارچوب سیاست‌ها و اهداف سیاست‌خارجی قطر است و رویکرد الجزیره در خصوص تحولات عربی این موضوع را به خوبی نمایان ساخته است (اسدی، ۱۳۹۰: ۷). بنابراین الجزیره ابزاری مناسب برای تبلیغ و پیش‌برد اهداف و عقاید دولت‌مردان قطر است. توان تأثیرگذاری این شبکه بر روی مخاطبین داخلی و خارجی، حاشیه‌ی امنی برای امنیت ملی و تسهیل دستیابی به اهداف در عرصه‌ی سیاست‌خارجی فراهم کرده است.

ورزش، میدان ژئوپلیتیک دیگری برای قطر

استفاده از ورزش برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی یکی از ابزارهای مهم سیاست مداران است. ورزش و مسابقات ورزشی به طور گسترده‌ای بر رفتار افراد، جوامع، دولت‌ها و رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد. این پدیده پیامدهای سیاسی نیز دارد و می‌تواند روابط دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۸). امروزه رقابت زیادی برای میزبانی مسابقات ورزشی بین‌المللی و جهانی بین کشورها وجود دارد، اما قطر با تصمیم فدراسیون فوتبال (FIFA) این شانس را پیدا کرد که میزبان پربیننده‌ترین رویداد ورزشی دنیا باشد. قطر برنده دیپلماسی ورزشی‌ای شد که تقریباً از دو دهه قبل شروع کرده بود (Kessous, 2011). پیام قطر از بُرد مزایده جام جهانی این بود که: «ما خواهان تغییر نگاه‌های منفی نسبت به کشورهای کوچک با جمعیت محدود و تبدیل آن به نگاه مثبت بودیم (8: 2006, F.Cooper and Momani). علاوه بر این که قطر میزبانی بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ م. را برنده شد، رسماً برای میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ م. نیز اقدام کرده است. هم‌چنین برای میزبانی بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ م مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار هزینه کرد (Doherty, 2012). کشور قطر با وجود جمعیت و وسعت کم، تاکنون توانسته به مدد دلارهای نفتی و گازی برای خود اعتبارات بین‌المللی بخرد و معضل نداشتن ورزشکار را با خرید ورزشکار از دیگر کشورها با قیمت‌های گزاف جبران کند تا در مجامع بین‌المللی پرچم این کشور بالا برود (طاهری، ۱۳۸۹: ۱). از دیگر سرمایه‌گذاری‌های ورزشی کشور قطر خرید ۷۰ درصد تیم فوتبال «پاریسن ژرمن» از فرانسه به وسیله‌ی شرکت «سرمایه-گذاری ورزشی قطر» به مبلغ ۱۳۰ میلیون دلار و تیم «مالاگای اسپانیا» است (fa.alalam.ir). از آن جا که قطر ثروتمندترین کشور جهان است در نتیجه برای تأمین هزینه رویدادهای ورزشی مشکلی ندارد. این امیرنشین کوچک به محلی برای تماشای وقایع ورزشی تبدیل شده و میزبان بسیاری از مسابقات ورزشی با اعتبار نظیر: فوتبال، فرمول ۱، تنیس، گلف،

راگبی، ورزش‌های پهلوانی و... بوده است. علاوه بر این قطری‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در ورزش اروپا انجام دادند. از جمله صرف ۶۰ میلیون دلار برای پیراهن تیم بارسلونا. قطر در چند سال اخیر مبلغی حدود ۲۲۵ میلیارد دلار صرف پروژه‌های زیربنایی کرده است که بخشی از آن صرف هزینه‌های جام جهانی می‌شود. از جمله ۳ میلیارد دلار برای آماده‌سازی زمین مسابقات و ۱۷ میلیارد دلار برای ساخت هتل‌ها در نظر گرفته شده است (Kessous, 2011). بنابراین استفاده از دیپلماسی ورزش، کانالی دیگر برای ورود کشور قطر به عرصه‌ی سیاست خارجی را مهیا کرده است.

کنش‌های میانجی‌گرایانه در سیاست خارجی کشور قطر

در منطقه‌ای که بحران‌ها و منازعات حزبی در بین کشورها و ملت‌های آن معروف است و منطقه‌ای واقعاً بحرانی است، قطر به سرعت خود را به عنوان عامل حل این مناقشات مطرح کرده و به عنوان منجی صلح قابل اعتمادی شهرت پیدا کرده است. این میانجی‌گری‌ها بخش مهمی از سیاست خارجی قطر است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶). اقدامات میانجی‌گرانه قطر اغلب با حمایت قدرت‌های جهانی یعنی ایالات متحده، روسیه، فرانسه و بریتانیا شکل گرفته است. تلاش‌های فراوان قطر در زمینه برقراری صلح هم در منطقه و هم با در نظر گرفتن کوچکی کشور، در جهان منحصر به فرد است (Kamrava, 2011: 540). کشور قطر در مسایل سیاسی و منطقه‌ای تلاش می‌کند تا با میانجی‌گری و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی «سری در سرها» داشته باشد و نام خود را به عنوان یک کشور کوچک اما تأثیرگذار در مجامع جهانی مطرح کند (طاهری، ۱۳۸۹: ۱).

افزایش اهمیت و محبوبیت قطر به عنوان «واسطه‌ای بی‌طرف» می‌تواند از تعداد مخالفان جهانی و منطقه‌ای آن بکاهد، یا می‌توان این‌گونه توضیح داد که قطر کشورهای مخالف خود را به گونه‌ای دیگر شکست می‌دهد (بدون نیاز به نیروهای انسانی زیاد،

مساحت زیادی از زمین یا ارتش). قطر به‌عنوان یک بازی‌گر جدید در صحنه‌ی سیاست خاورمیانه و بدون هیچ پیشینه‌ی دیپلماسی یا نظامی در منطقه، خود را به صورت یک میانجی صادق مطرح کرده است. با این وجود فقط بی‌طرفی نیست که باعث جذب قطر به‌عنوان یک میانجی می‌شود. قطر دارای ترکیب قدرتمندی از پول، فضای هتل و ارتباطات است. دولتی که قصد افزایش قدر و منزلت بین‌المللی خود را دارد؛ باید صورت‌حساب‌های میلیونی را برای هزینه هتل‌های شورشیان پردازد. بعد از این که توافق نامه‌ها امضاء می‌شود قطر با قول بازسازی و کمک در توسعه، توافقات را محکم‌تر می‌کند. موارد تشویقی و همکاری‌های پیشنهادی به طرف ضعیف‌تر می‌تواند به میزان قابل توجهی، سطح درگیری‌ها را تقلیل بخشد. خود امیر قطر و شخص وزیر امور خارجه به‌طور خاص برای برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر سرمایه‌گذاری می‌کنند اما برای قطر، بازی کردن نقش میزبان باعث افزایش و بهبود موقعیت بین‌المللی آن می‌شود (Dickinson, 2012). این کشور به‌دقت و با وسواس خاصی مناقشاتی را برای انجام اقدامات میانجی‌گرانه انتخاب می‌کند که از قبل شانس موفقیت و یا نتایج مثبت این اقدامات، اثبات شده باشد. این بدین معناست که قطر به دنبال سرمایه‌گذاری بر روی فرصت‌هایی است که در همسایگان مجاور خود به چشم می‌خورد (Kamrava, 2011: 544). به عنوان مثال در اوایل خرداد ماه سال ۱۳۸۷.ش قطر ریاست کمیته وزارتی اتحادیه عرب و میزبانی نشست گفتگوهای گروه‌های مختلف لبنانی را بر عهده گرفت. این مذاکرات منجر به «توافق نامه دوحه» و متعاقب آن انتخاب رئیس جمهور جدید و تشکیل دولت وحدت ملی لبنان به ریاست هم‌چنین میشل - سلیمان به عنوان بزرگترین دستاورد سیاست خارجی قطر شد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). قطر تلاش‌های میانجی‌گرایانه‌ای را برای بهبود روابط بیروت - دمشق، دمشق - پاریس و طرابلس و واشنگتن انجام داد. هم‌چنین قطری‌ها در مقام ریاست کمیته اتحادیه‌ی عرب،

میزبان مذاکرات صلح دارفور بین گروه‌های مختلف سودانی و دولت این کشور برای حل و فصل این بحران بوده‌اند.

پافشاری بر روی ایفای نقش میانجی‌گر، در برخی موارد، باعث تحریک خشم برخی کشورهای منطقه شده است، چرا که آنان این نقش را برای خود می‌خواهند. مصر که برای مدت‌های طولانی‌ای خود را اولین حامی سودان می‌دانست و به دنبال راه‌حلی ابتکاری بود تا به گونه‌ای متفاوت از قطر، بحران دارفور را حل کند. در پایان، قطر با ثروت بیشتر و با اینکه طول دوره ارتباط او با سودان کمتر از مصر بود، برنده شد (Green, 2009). هم چنین تلاش‌های قطر در خاتمه‌دادن به شورش حوثی‌ها در یمن نیز باعث رنجش عربستان سعودی شد. مسئولان این کشور همواره سعی در ایجاد توازن و تعادل در سیاست خارجی خود داشته‌اند و با پی‌گیری سیاست «بی‌طرفی مثبت یا سازنده» و «دیپلماسی فعال» در صدد ایفای نقش میانجی‌گر در پرونده‌ها و مسائل مختلف منطقه هستند (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). این کنش در عرصه‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجبات توسعه‌ی نفوذ سیاسی کشور قطر را فراهم کرده است.

تنش‌زدایی با کشورهای همسایه

این کشور در تحکیم روابط خود با کشورهای اسلامی، جهان سوم و عرب می‌کوشد و در این راستا، در صدر کشورهای کمک‌کننده به دولت‌های نیازمند قرار دارد (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۲). وزارت خارجه قطر، مأموریت کشور خود را ایجاد همبستگی عربی، حل و فصل اختلافات بین‌المللی از راه‌های مسالمت‌آمیز و مشارکت فعال در مسائل و چالش‌هایی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه‌اند، اعلام کرده است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) از دیگر نشانگان تنش‌زدایی در عرصه‌ی سیاست خارجی کشور قطر می‌توان به تلاش‌های این کشور در عرصه‌ی فرهنگی اشاره کرد. از اهم این فعالیت‌ها

می‌توان به جشنواره ی فرهنگی سالانه این کشور، تلاش برای ایجاد موزه‌های بین‌المللی و ایجاد شهری آموزشی با مشارکت دانشگاه‌های مهم غربی اشاره کرد که به مدیریت شیخه موزه، انجام می‌شود (اسدی، ۱۳۹۰: ۷). از دیگر نشانه‌های اتخاذ این سیاست از جانب دستگاه دیپلماسی کشور قطر، تلاش برای حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی است. تنش‌های بلندمدت قطر با بحرین نیز بر سر جزایر حوار، با تصمیم دادگاه بین‌المللی لاهه، در سال ۲۰۰۱ م به نفع بحرین حل شده است (Akhmetov, 2012). اختلافات ارضی با کشور عربستان نیز در سال ۲۰۰۱ م به نفع عربستان سعودی حل و فصل و در کنار آن راه خشکی قطر و امارات متحده عربی قطع شد (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰). راهبرد محوری دیگر قطر در عرصه ی سیاست‌خارجی تلاش برای دنبال کردن سیاستی متوازن و متعادل در سطح منطقه‌ای است. این راهبرد از یک‌سو، ایجاد رابطه و تعامل با طیفی مختلف از بازی‌گران را شامل می‌شود و از سوی دیگر، تعادل و توازن‌سازی بین بازی‌گران منطقه‌ای مختلف را مد نظر قرار می‌دهد (همان: ۹). تحرکات جدید قطر نیز در چنین وضعیتی قابل تحلیل است. با روی کار آمدن شیخ «تمیم» در قطر وی سعی دارد با تعدیل سیاست‌های بلندپروازانه کمتر در امور داخلی دیگر کشورها دخالت کند. در تحولات سوریه، بعد از روی کار آمدن امیر تمیم، همان‌گونه که بشار اسد نیز گفته بود، قطر مشی مسالمت‌آمیز را در پیش گرفت. در سفر «اخضر ابراهیمی» نیز این کشور گفتگوی بدون پیش شرط را مورد تأکید قرار داد و گفت که نباید این پیش شرط که «اسد باید از قدرت کناره‌گیری کند» به عنوان شرط تشکیل کنفرانس ژنو ۲ مطرح شود. چندی قبل نیز این کشور واسطه ی آزادی چند گروگان لبنانی شد که توسط نیروهای معارض دستگیر شده بودند و با تلاش‌های این کشور، گروگان‌ها آزاد شدند (www.bahrnews.ir). در واقع، راهبرد اصلی و محوری قطر در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه براساس تعادل در روابط با قدرت‌های عمده ی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مؤثر در خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. طبق این راهبرد، قطر تلاش می‌کند

بین قدرت‌هایی که دارای اهداف و منافع متفاوت، متضاد و حتی متعارضی هستند به نحوی مانور دهد و بازی کند که میزانی از روابط متعادل را با هر یک از آن‌ها حفظ کند و ضمن پرهیز از چرخش کلی به سوی یک یا برخی از آن‌ها از مزایای این وضعیت به نفع منافع و امنیت ملی خود بهره‌گیرد. با این تفاسیر سیاست‌هایی مانند حمایت از اخوان-المسلمین در مصر، رقابت با عربستان، میزبانی از گروه‌های معارض و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در مقاطع خاصی باعث شکل‌گیری نارضایتی از سیاست‌های منطقه‌ای قطر شده است.

۲-۴ خرید مشروعیت

کشور قطر با بهره‌گیری از دوره‌ی رونق استثنایی پیشرفت اقتصادی، در افزایش استانداردهای زندگی مردم موفقیت‌های بی‌نظیری داشته است (Qatar Vision 2030 National). رفاه اقتصادی و ثروتمند بودن قطر عاملی مهم در رضایت مردم قطر و عدم تمایل جدی آن‌ها به مشارکت سیاسی بر خلاف کشورهای همسایه مانند بحرین بوده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند قطری‌ها با توجه به جمعیت اندک و رفاه اقتصادی مناسب و هم‌چنین رضایت از عملکرد بین‌المللی ملک‌خامد، اصلاحات و دموکراسی سیاسی را در اولویت قرار نمی‌دهند. بر اساس یک نظرسنجی، تعداد کسانی که در قطر دموکراسی را مهم می‌دانند از ۶۸ درصد در سال ۲۰۰۸ م. به تنها ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۰ م. رسیده است و دوسوم پاسخ‌دهندگان به ثبات و زندگی در همسایگی امن اهمیت بیشتری داده‌اند. این گونه روی کردها میان شهروندان قطری به همراه رفاه اقتصادی و انسجام لازم بین جامعه و حکومت، ظرفیت و توانایی اعمال سیاست‌خارجی فعال و مؤثر را افزایش می‌دهد (اسدی، ۱۳۹۰: ۶).

چشم‌انداز ملی این کشور براساس تبدیل قطر به یک کشور توسعه‌یافته تا سال ۲۰۳۰ م. استوار است، کشوری که قادر به حفظ ثبات توسعه و تأمین استاندارد بالای زندگی برای تمام افراد و برای نسل‌های آینده باشد (صمیمی، ۱۳۸۹: ۱۴). ثروت عظیم نفت به خوبی در سراسر این قلمرو پادشاهی گسترش یافته است و حکومت سلطنت مطلقه را تقویت می‌نماید. ثروت و ساختار حاکم، ایجادکننده‌ی چنین وضعیتی است که در آن هیچ مخالف داخلی وجود ندارد. بنابراین قطر، در تعقیب سیاست‌های غیرمعمول در خارج از کشور بدون نگرانی از فشارهای دلهره‌آور داخلی، آزاده اقدامات مورد نظر خود را پیگیری می‌کند (اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲: ۶۹). از نکات مهم در اقتصاد کشور قطر این است که دولت توانسته است رشد اقتصادی را به رفاه اجتماعی ترجمه کند. براین اساس می‌توان شاهد شهروندانی با رضایت بالا و ثروتمند در قطر بود که از تداوم حاکمیت آل‌ثانی در این کشور حمایت می‌کنند (اسدی، ۱۳۹۰: ۵). بنابراین ترجمان ثروت و رشد اقتصادی به رفاه عمومی، زمینه‌های خرید مشروعیت برای این نظام سیاسی موروثی و پادشاهی را فراهم کرده است.

۷-۴ هم‌پیوندی استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای

قطر سعی کرده است روابطی ویژه با قدرت‌های غربی با محوریت آمریکا ایجاد کند. بخشی مهم از سیاست قطر در سطح منطقه از جمله نوع رابطه با رژیم اسرائیل و هم‌چنین تحولات و جنبش‌های مردمی جهان عرب در راستای ائتلاف با قدرت‌های غربی معنا پیدا می‌کند (همان: ۸). از عوامل زمینه‌ساز تعمیق هم‌پیوندی استراتژیک کشور قطر با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تهدیدات منطقه‌ای و هم‌جواری با قدرت‌های منطقه‌ای است. مطمئناً خطر عربستان سعودی، بحرین و مدعیان داخلی خانواده سلطنتی تهدید کوچکی برای قطر نیست.

قطر در جنگ خلیج فارس به نیروهای ائتلاف اجازه داد تا از خاک این کشور برای حمله به عراق استفاده کند و در سال ۱۹۹۲ م. با آمریکا توافق‌نامه‌ای امنیتی امضا کرد (M. Blanchard, 2010: 12). برپایه این توافق دو کشور از اواسط دهه ۱۹۹۰ م. بیش از یک میلیارد دلار صرف توسعه و ساخت پایگاه العدید کردند. بعد از امضای توافق‌نامه همکاری‌های دفاعی با آمریکا، امنیت قطر به دلیل حضور سربازان آمریکایی تأمین شد (Akhmetov, 2012). در سال ۲۰۰۱ م. قطر رایزنی‌های نتیجه بخشی جهت انتقال پایگاه نیروهای آمریکا که برای نظارت بر منطقه ی پرواز ممنوع جنوب عراق ایجاد شده بود به پایگاه العدید قطر انجام داد (نادری، ۱۳۸۲: ۶۸). این پایگاه طولانی‌ترین باند هوایی خاورمیانه را داراست که در جنوب دوحه، پایتخت قطر واقع شده و مرکز فرماندهی و پشتیبانی و پایگاه هوایی اصلی عملیات‌های جنگی ایالات متحده در افغانستان و عراق است (M. Blanchard, 2010: 3). به نظر می‌رسد که نزدیکی نظامی قطر با آمریکا و جای دادن پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود به دلیل ترس آن از نقشه‌های عربستان سعودی است. چرا که قطری‌ها با جای دادن بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود، دست بعضی از کشورها مانند سعودی‌ها را که در تلاش برای کنترل کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس هستند را کوتاه کردند و از این طریق از کشور دفاع می‌کنند (Hroub, 2012). از عوامل دخیل در گزینش چنین سیاستی، کیفیت روابط قطر و عربستان است. روابط میان قطر و عربستان سعودی در طول دو دهه گذشته مناسب و گرم نبوده است و دوحه سیاست‌های عربستان سعودی را مهم‌ترین تهدید برای بقای خود می‌داند. تهدید شدن یکپارچگی سرزمینی و امنیت وجودی قطر از سوی عربستان اصلی‌ترین محرک سیاست خارجی قطر است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰).

تجزیه و تحلیل و ارزیابی فرضیه

از مجموع مباحث چنین حاصل می‌شود که مولفه‌های مختلفی در دگرگونی‌های ژئوپلیتیک کشور قطر نقش داشته است که می‌توان آنها را در قالب جدول ۱ خلاصه‌سازی کرد.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های مؤثر بر کنش‌های ژئوپلیتیک قطر

ردیف	مؤلفه‌های کلان ژئوپلیتیک	نمود مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی قطر
۱	موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های جغرافیای طبیعی	موقعیت راهبردی و سواحل محدب و فرورفته در مرکز سواحل جنوبی خلیج فارس. موقعیت نسبی جغرافیایی، همسایگی با عربستان و نزدیکی به ایران (دو قدرت رقیب منطقه‌ای). ضعف توان کشاورزی و کمیابی منابع آب شیرین. وجود منابع طبیعی نفت و گاز قابل توجه. جزایر راهبردی با کاربری نظامی، توریستی و اقتصادی.
۲	ویژگی‌های جغرافیای انسانی	ویژگی‌های کیفی جمعیت کشور و رشد سواد، مهارت، سطح بهداشت، رفاه، نرخ پایین بیکاری. ترکیب جمعیت بومی کشور قطر و یکدستی نسبتاً رضایت‌بخش. چالش کمی جمعیت بومی به صورتی که کم‌تر از یک‌سوم جمعیت کشور بومی است. تجانس مذهبی با عربستان و تضاد با ایران به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای. تجانس فرهنگی، زبانی و مذهبی با نوار جنوبی خلیج فارس. درصد بالای شهرنشینی.
۳	ویژگی‌ها و	جایگاه رضایت‌بخش در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌المللی.

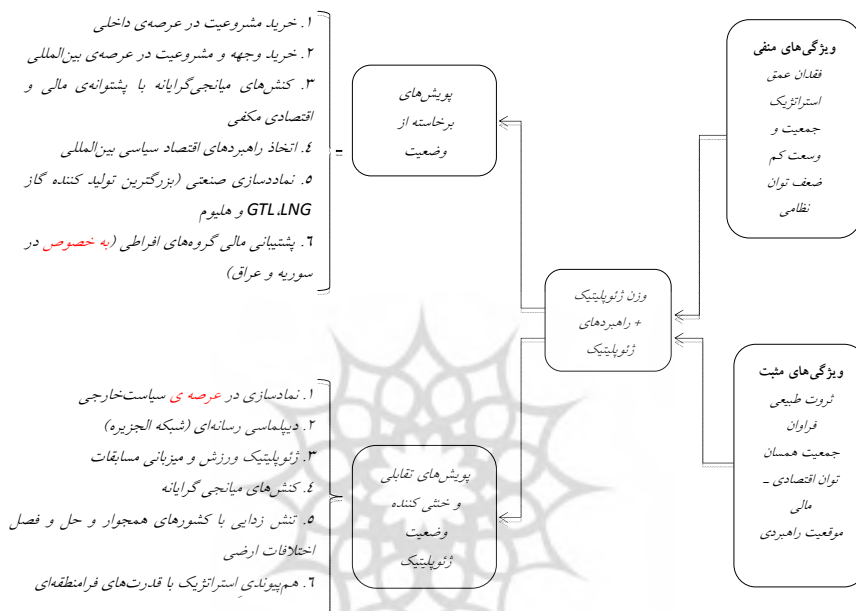
<p>سرمایه‌گذاری‌های کلان در خارج از کشور (نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار) موفقیت در فرایند جذب سرمایه‌های خارجی به نسبت کشورهای منطقه به‌ویژه ایران.</p> <p>عدم وابستگی زیاد به تجارت با کشورهای منطقه (برخلاف امارات متحده عربی)</p> <p>کسب عنوان سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد.</p> <p>درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی بالا (ثروت‌مندترین کشور دنیا).</p> <p>برخورداری از منابع عظیم گازی (سومین ذخایر گاز دنیا).</p> <p>برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی هوایی و فرودگاه‌های استاندارد.</p> <p>مهیا داشتن زیرساخت‌های توسعه‌ی صنعت توریسم.</p>	<p>شاخص‌های اقتصادی</p>	
<p>نوع نظام سیاسی و تجانس با سواحل جنوب خلیج فارس.</p> <p>انجام اصلاحات سیاسی و فضای سیاسی بازتر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه.</p> <p>اتخاذ سیاست خرید مشروعیت و توسعه‌ی رفاه اجتماعی و زیرساخت‌های رفاهی و آموزشی.</p> <p>عدم فعالیت و عدم وجود گروه‌های معارض و اپوزیسیون داخلی.</p> <p>ثبات سیاسی نسبتاً قابل قبول‌تر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه.</p>	<p>ویژگی‌های سیاسی داخلی</p>	<p>۴</p>
<p>اتخاذ سیاست میانجی‌گری و واسطه‌گری در منطقه و جهان.</p> <p>توسل به قدرت نرم در راستای توسعه‌ی نفوذ سیاسی در منطقه و جهان.</p> <p>توسل به دیپلماسی رسانه‌ای و توسل به راهبردهای دیپلماسی ورزشی.</p> <p>اقدام به نمادسازی و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی.</p>	<p>ویژگی‌های سیاست خارجی</p>	<p>۵</p>
<p>عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و عضویت در همکاری‌های دفاعی - نظامی موسوم به سپر جزیره.</p>	<p>ویژگی‌های نظامی - امنیتی</p>	<p>۶</p>

<p>ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای. عدم ورود جدی به رقابت تسلیحاتی مانند عربستان و امارات متحده. همکاری با نیروهای نظامی آمریکایی و میزبانی نیروهای فرماندهی مرکزی آمریکا.</p>		
--	--	--

ترسیم از: (نگارندگان)

با توجه به جدول بالا، پویش‌های ژئوپلیتیک کشور قطر را می‌توان در دو دسته رده-بندی نمود؛ یکی پویش‌هایی که برخاسته از وضعیت ژئوپلیتیک کشور قطر و در واقع همان استفاده‌ی بهینه، از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مثبت کشور قطر هستند. مانند دارا بودن منابع گازی عظیم، و ثروت فراوان حاصله از این منابع. دیگری اتخاذ راهبردهای اقتصاد سیاسی و پیوند زدن سرنوشت این کشور با امنیت انرژی و اقتصاد سیاسی جهانی و منطقه‌ای است. در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، انرژی، پاشنه‌ی آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی است و یکی از ابزارهای مهم کسب ثروت و اعمال قدرت در عرصه‌ی سیاست خارجی و بین‌المللی تلقی می‌شود. در این ساختار کشور قطر به دلیل واقع شدن در جنوب بیضی استراتژیک انرژی و دارا بودن ذخایر عظیم گازی از موقعیت ممتازی برخوردار است. درک این موقعیت ممتاز و تمرکزبخشی و هدایت برنامه‌های توسعه، در این راستا، موجبات نقش‌آفرینی قطر در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل را فراهم کرده و این خود نیز زمینه‌ساز کنش‌های فعالانه در سایر عرصه‌ها به ویژه سیاست خارجی شده است. به عبارت دیگر راهبردهای نمادسازی، و توسل به دیپلماسی ورزشی، رسانه‌ای، مذهبی و از همه مهم تر دیپلماسی میانجی‌گری و... از مهم ترین راهبردهای قطر در دست یابی به وضعیت کنونی است و این به معنای تأیید پیش فرض‌های اصلی این پژوهش است. مدل زیر وضعیت ژئوپلیتیک کشور قطر و پویش‌های برخاسته از آن را نشان می‌دهد.

مدل شماره ۳. وضعیت ژئوپلیتیک کشور قطر و پویای بر خاسته از آن



ترسیم از: نگارندگان

نتیجه گیری

امیر مستعفی قطر، طی دو دهه‌ی اخیر نوعی سیاست خارجی پیش رونده و فعال را اتخاذ کرد، به گونه‌ای که جایگاه دیپلماتیک قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا یافت و این کشور خود را به عنوان میانجی منازعات و بحران‌های منطقه‌ای مطرح کرد. توان اقتصادی، پشتوانه‌ی مالی قوی، توان دیپلماسی با بُرد منطقه‌ای و جهانی، برندهای پرشمار و تأثیرگذار، کمک‌های مالی، میانجی‌گری و تنش‌زدایی و... از عوامل ارتقاءبخش موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور قطر هستند که خود نیز بسترساز توسعه‌ی نفوذ سیاسی این کشور در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حساب می‌آیند اما پرشماری راهبردهای دخیل در سیاست خارجی، پایبند نبودن به اصول ایدئولوژی خاص در سیاست خارجی، تداخل

منافع با بازی گران منطقه‌ای و اتخاذ موضع رقابت‌جویانه با آن‌ها، وابستگی شدید در عرصه‌ی سیاست خارجی و... عوامل زمینه‌ساز تعارض در سیاست خارجی و پویش ژئوپلیتیک قطر هستند. با عنایت به این مهم پیش‌بینی می‌شود به علت تناقض و تعارض در سیاست خارجی این کشور سرانجام از بی‌طرفی و چندجانبه‌گرایی نیابتی به طرفداری و جانب‌داری از طرف‌های درگیر در منطقه روی خواهد آورد و همان‌گونه که در بحران سوریه آشکار شد به جبهه‌های خاصی در منطقه خواهد پیوست.



منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۱)، «اخوانیگرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۵، شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۱.
- احمدی‌پور، زهرا و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دو فصلنامه) سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مؤلفه‌ها»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۷، زمستان.
- اصغری‌ثانی، حسین، (۱۳۹۲)، ارزیابی قدرت نرم قطر، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- پویان، رضا، (۱۳۹۲)، «تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲.
- ترکان، اکبر، (۱۳۹۱)، «نقش گاز طبیعی در امنیت ملی ایران، روسیه و قطر»، مطالعه تطبیقی، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۱.
- جعفری‌ولدانی، اصغر، (۱۳۷۱)، «نگاهی به اختلافات مرزی قطر با عربستان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۳ و ۶۴، آذر و دی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۱)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی جلد یک سازمان مدارس خارج از کشور، قم، ۱۳۷۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و حسین ربیعی، (۱۳۹۲)، مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

تحلیل و تبیین عوامل اثرگذار بر پویش‌های ژئوپلیتیک... / ۱۳۳

ربیعی، حسین، (۱۳۹۱)، «تحلیل اختلافات مرزی ایران در منطقه خلیج فارس با تأکید بر نقش، رویکرد و رفتار قدرت‌ها»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۱.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و علی امیربیک، (۱۳۹۰)، «قدرت منطقه‌ای ایران و چالش‌های خارجی پیش‌روی آن»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

سهرابی، عبدالله، (۱۳۹۲)، «قطر، دوره جدید مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی/۸۲»، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، دفتر مطالعاتی سیاسی و بین‌المللی.

صمیمی، احمد و آمنه قدوسی، (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز ملی قطر»، گزارش راهبردی، شماره ۱۲۴، کد گزارش ۱۸-۸۹-۱-۰۴، آذر ۱۳۸۹.

طاهری، مسعود، (۱۳۸۹)، «مراقب شیطنت‌های قطر از فرصت جام جهانی باشیم»، <http://www.asriran.com/fa/news/147736>، کد خبر: ۱۴۷۷۳۶، ۱۳ آذرماه ۱۳۸۹

قاسمی، حاکم و زهرا ناظری، (۱۳۹۰)، «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.

قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۹)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ شانزدهم.

ماهنامه خلیج فارس و امنیت، (۱۳۹۳)، «راهبرد سیاسی - امنیتی قطر در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس»، سال چهاردهم و پانزدهم، اسفند ۱۳۹۲ و فروردین ۱۳۹۳، شماره ۱۵۲-۱۵۱.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

معظمی، منصور و محمدصادق جوکار، (۲۰۱۳)، «گزارش نفت و گاز کشور قطر (اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا - ۲۰۱۳)»، گزارش انرژی کشوری، شماره ۵،

<http://www.energydiplomacy.ir>

نفت و انرژی (۱۳۹۲)، «آشنایی با کشورهای نفت‌خیز جهان»، کشور قطر،

www.energyconf.ir، دی‌ماه ۱۳۹۲.

نکته‌دان، حوریه و حافظه سیفی‌آتشگاه، (۱۳۸۶)، «اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت‌های

القاعده»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۶، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد کرج.

یوسفی، ثریا و سجاد کریمی‌پاشاکی، (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک، سازه‌ای برای همگرایی

کشورهای جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان

جهان اسلام، زاهدان: فروردین ۱۳۸۹.

Akhmetov.Timur,(2012), *Explaining Qatar's foreign policy*, February 27.

Al-Ansary, Marawa (2012); "Geological and physiochemical characterisation of construction sands in Qatar", Qatar Shell Research and Technology Centre, Qatar, *International Journal of Sustainable Built Environment*, 9 July 2012

Anzawa Munehiro , (2011) , Al Jazeera as a Political Tool Within the Contradictions of Qatar , The American University in Cairo , School of Global Affairs and Public Policy , A Thesis Submitted to the Department of Middle East Studies

Blanchard, Christopher M. (2014); Qatar: Background and U.S. Relations, Congressional Research Service, Informing the Legislative debate since 1914, Specialist in Middle Eastern Affairs, January 30, 2014

Boateng, Osman Antwi (2013); "the Rise of Qatar as a Soft Power and The Challenges", *European Scientific Journal* December2013 /SPECIAL/ edition vol. 2 ISSN:1857 – 7881(Print)e - ISSN1857- 7431.

BP Energy Outlook 2035 (2014); bp.com/energyoutlook #BPstats

Dickinson. Elizabeth, (2012), Qatar builds a brand as mediator, *Christian ScienceMonitor*.at:<http://www.minnpost.com/christian-science-monitor/2012/03/qatar-builds-brand-mediator>

Doherty.Regan,(2012), Tiny Qatar stands tall in int'l affairs, Reuters January 19.<http://www.gmanetwork.com/news/story/245123/news/world/tiny-qatar-stands-tall-in-int-l-affairs>

- Greer, William (2013); Trends and projections of annual birth volumes in the State of Qatar: 1970–2025, *Qatar Foundation Journals*, 03 July 2013
- Hroub. Khaled,(2012), How Al-Jazeera's Arab spring advanced Qatar's foreign policies, Autumn, Sunday, 08 April. at:
http://www.europesworld.org/NewEnglish/Home_old/Article/tabid/191/ArticleType/ArticleView/ArticleID/21877/HowAlJazeerasArabspringadvancedQatarsforeignpolicies.aspx
<http://www.bahrnews.ir/ViewArticle/tabid/133/ArticleId/12455/>.aspx>
- سایت خبری - تحلیلی بحر نیوز، سفر رئیس بنیاد آموزش و پرورش قطر به ژاپن، 1393/1/30
- Ibrahim, Ibrahim, Frank Harrigan (2012); *Qatar's economy: Past, present and future*, Department of Economic Development, General Secretariat for Development Planning, Doha, Qatar, 17 September 2012.
- Kamrava ,Mehran ,(2011), Mediation and Qatari Foreign Policy ,Middle East
- Kessous.Mustapha,(2011), Sports as Diplomacy: How Small Gulf Countries Use Big Sports to Gain Global Influence, Monday, June 2011
- Mahgoub, Yasser & Bothayna Abbara (2012); Tall Buildings Legislations in Doha, Qatar, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Savoy Homann Bidakara Bandung Hotel, Bandung, Indonesia, 15-17 June 2011.
- Peterson J.E , (2006) , Qatar and the World: Branding for a Micro-State , *Middle East Journal* , Vol.60,No.4,Autumn
- Qatar National vision 2030 (2012); center secretariat Development Planning, State of Qatar Statistics Authority (2011); Labor Force Sample Survey 2011, November, 2011.
- Statistics Authority (2013); *Quarterly Foreign Merchandise Trade Statistics*, 01 January 2013.
- U.S. Energy Information Administration, (2013); *Countries Qatar, Last Updated: January, 30,2013.*
- U.S. Energy Information Administration, *Qatar Country Analysis Brief*, January 2014